

جدی‌ترین معلم مهربان



مریم شهرآبادی
کارشناس آموزش ابتدایی

در سال‌های آغاز جوانی، برنامه‌نویسی و طراحی وب انجام می‌داد؛ اما بلافاصله بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، مشغول تحقیق و پژوهش شد و از آنجا که به زبان عربی نیز مسلط بود، سال‌های زیادی را به‌عنوان مترجم، همراه هیئت‌های علمی و فرهنگی کشورهای عرب‌زبان گذراند. از سال ۱۳۹۶، تدریس را از دوره‌ی متوسطه‌ی اول شروع کرد. با توجه به سوابق تحصیلی‌اش توانایی تدریس درس‌های متعدد را در دوره‌ی متوسطه داشت؛ اما به‌دلیل علاقه و تجربه، تدریس درس مطالعات اجتماعی را انتخاب کرد. به نظر او تجربه‌هایش در سال‌های مترجمی و پژوهشگری با این درس سازگاری

بیشتری دارند. در سال ۱۳۹۹، تصمیم می‌گیرد، به‌عنوان آموزگار تسهیلگر آموزشی وارد دوره‌ی ابتدایی شود.

خانم آرزو سمیعی متولد ۱۳۵۷ و آموزگار دوره‌ی دوم پایه‌ی ابتدایی در یکی از مدرسه‌های مسئله‌محور در شهر تهران است. وی در دو رشته‌ی ریاضی کاربردی و ادبیات عرب مدرک کارشناسی دارد و مدرک کارشناسی‌اشدش نیز در دو رشته‌ی ادبیات عرب و مطالعات جهان از دانشگاه تهران است.

او همیشه سعی کرده است با تغییر نگرش به بازی‌های آموزشی و جذاب کردن فضای آموزشی از طریق بازی، کلاس درسش را متفاوت از کلاس‌های کلیشه‌ای رایج برگزار کند. همین امر باعث شده است که از خلق شخصیتی به نام «جهانگرد» برای تدریس

استفاده کند. در ادامه، گفت‌وگویی ما با این معلم خلاق از نظر تان می‌گذرد.

■ چه شد که از فضای رسمی دانشگاه و

مترجمی به معلمی روی آوردید؟

در هیچ دورانی از زندگی به معلمی فکر نکرده بودم، آن هم معلم بازی‌محور کارآفرین! در سال ۱۳۹۶ با دوستانی آشنا شدم که تمام عمر را عاشقانه معلمی کرده بودند. هم‌نشینی با آن‌ها جوانه‌ی تجربه‌کردن این عاشقی را در قلب من رویاند. گویی گمشده‌ام را یافته بودم. جمعی خوش‌فکر و خلاق بودند. از آن محافلی که همیشه آدم را به فکر کردن و پیشرفت و تکاپو وامی‌دارند. بهتر است این‌گونه بگوییم: رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست/می‌کشد آنجا که خاطر خواه اوست

■ شخصیت «جهانگرد» و طرح داستانش

چطور به وجود آمد؟

از ابتدای دوران تدریس سعی داشتم در کلاس از امتحانات گروهی و کتاب‌باز تا چالش‌های آموزشی و برگزاری کارگاه‌های تلفیقی و به‌اصطلاح میان‌رشته‌ای استفاده کنم. طرح درس‌هایم به فعالیت‌های سرگرم‌کننده و جذابی تبدیل شدند که می‌توانستند دانش‌آموزان را چندین ساعت به چالش بکشند و درگیر تحلیل و حل مسئله و مدل‌سازی کنند. از این‌رو، تصمیم گرفتم طرح درس‌هایم را





به گونه‌ای منتشر کنم که همه‌ی دانش‌آموزان و معلمان بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. این گونه بود که «جهانگرد» متولد شد.

جهانگرد، همان‌طور که از اسمش پیداست، اهل سفر و تجربه‌های جدید است، با این ویژگی که هم در مکان، سفر می‌کند و هم در زمان. در سفرهایش بازی‌هایی شکل می‌گیرد که مسیر یادگیری مباحث درسی مثل تاریخ و جغرافیا را برای کودکان و حتی بزرگسالان لذت‌بخش و هیجان‌انگیز می‌کند.

در مدرسه‌ای که در آن تدریس می‌کنم اصول آموزش و یادگیری پروژه‌محور و بازی‌محور است. برای هر مبحث کتاب، یک بازی طراحی می‌شود و جریان درس در طی یک یا چند بسته‌ی آموزشی از زبان شخصیتی به نام «دنیا» که کودکی خیالی و پرسرگرم است، به‌عنوان یک چالش یا در قالب چند سؤال مطرح می‌شود. دانش‌آموزان به‌صورت مرحله‌ای به سؤالات دنیا پاسخ می‌دهند و وارد مرحله‌ی بعد می‌شوند. البته در طول مسیر یادگیری، شخصیت جهانگرد با بازی‌های هیجان‌انگیز، دانش‌آموزان و دنیا را همراهی می‌کند. محتوای بازی‌ها از کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی استخراج می‌شود؛ اما همه‌ی افراد جامعه می‌توانند از آن استفاده کنند.

■ آیا شخصیت جهانگرد الهام‌گرفته از جایی است یا ایده‌ی خود شماست؟

خیر، از جایی الهام نگرفته‌ام. رفتار و عملکرد و ظاهر این شخصیت کاملاً ایده‌ی خودم است. برای ظاهر جهانگرد، با یک تصویرگر مشورت کردم. البته به‌اصلاحات ظاهری مختصری نیاز دارد که به‌زودی شخصیتی منحصر به‌فرد بشود.

■ کار با بچه‌ها را چطور می‌بینید؟

در کنار بچه‌ها بودن امید به آینده و شادی و نشاط خاصی در من ایجاد می‌کند. به‌خصوص وقتی که بچه‌ها در فضایی آرام و به دور از فشار روانی و فشارهای معمول مدرسه باشند که بتوانند شادزیستن و آموختن را هم‌زمان تجربه کنند.

حقیقت این است که در طول سال‌های گذشته بیشتر از اینکه دانش‌آموزان از من تأثیر بگیرند من از آن‌ها تأثیر پذیرفته‌ام و همچنان هم روند تغییر را در خودم احساس می‌کنم. این تغییر را مدیون روح پاک و زلال بچه‌ها هستم. به قول خودشان من «جدی‌ترین معلم مهربانم»

■ چرا به این عنوان معروف شده‌اید؟ مگر چه کار می‌کنید؟

در آموزش‌های بازی‌محور از بچه‌ها بیشتر این عبارات را می‌شنویم: دوست ندارم، حال ندارم، نمی‌توانم، نمی‌خواهم... که متأسفانه گاهی و در بعضی کلاس‌ها این جریان به‌سمت بی‌قانونی می‌رود. در مدرسه‌ی ما دانش‌آموزان ارتباط خیلی راحتی با آموزگاران دارند. فکر می‌کنم چون همیشه در کلاس سعی می‌کنم در کنار این راحت‌بودن، قاعده‌مندی و مسئولیت‌پذیری را در کنار درس خواندن هم حفظ کنم، بچه‌ها من را جدی‌ترین معلم مهربان خطاب می‌کنند. البته بچه‌ها هم از چارچوب عقب‌نشینی نمی‌کنند و در یک یا دو جلسه‌ی اول متوجه می‌شوند که این جدیت چقدر اثرگذار است.

■ فرمودید از دانش‌آموزانتان بیشتر تأثیر پذیرفته‌اید، می‌شود بیشتر توضیح دهید؟

در مورد تأثیرم روی دانش‌آموزان نمی‌توانم به قطعیت چیزی بگویم. شاید به‌دلیل نوع‌فعالیتی که در گذشته انجام می‌دادم، شخصیتی جدی داشته باشم؛ ولی از زمانی که وارد مدرسه شدم و با کودکان ارتباط بیشتری دارم، شخصیتم تلطیف شده است. این موضوع را هم از زبان فرزندانم و هم از همکارانم می‌شنوم. احساس می‌کنم روحیاتم تغییر کرده‌اند؛ ولی هنوز به آن حدی نیست که دانش‌آموزانم از من تأثیر بگیرند. شاید در سال‌های آینده این اتفاق بیفتد.

■ خاطره‌ای از زمان تدریستان دارید؟

اولین جلسه‌ی کلاس درسم در سال تحصیلی جدید بود. با کلی مقدمه‌چینی و آب‌وتاب مشغول متقاعدکردن دانش‌آموزان بودم که تاریخ چقدر مفید است و چقدر ما نیازمند دانستن علم تاریخ هستیم که به یک‌باره دانش‌آموزی خیلی جدی از من پرسید: «خانم الان ما داریوش رو ببریم سبزی‌فروشی یک کیلو پیاز چه می‌دن؟» می‌خواهم بگویم ایجاد نیاز به آموختن علم، به‌خصوص در گروه علوم‌انسانی، کار یک روز و دو روز و یک معلم و دو معلم نیست. همتی عظیم می‌خواهد و چه بسا ما معلم‌ها این باور را اول باید در خودمان ایجاد کنیم.

■ برای آینده چه برنامه‌ای دارید؟

آموزش از طریق بازی از مطرح‌ترین سبک‌های آموزشی در جهان امروز است که در کشور ما خیلی جدی گرفته نمی‌شود و نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. مهم‌ترین هدفی که در بستر معلمی دنبال می‌کنم تغییر نگرش به بازی به‌خصوص بازی جدی است که می‌تواند جایگزینی برای کلاس‌ها و امتحانات رسمی و کسالت‌آور در فضای یادگیری باشد. امیدوارم بتوانم برای تحقق این هدف گام بردارم. البته شرکت در رویدادها و مسابقات بین‌المللی طراحی بازی و آموزش از طریق بازی را هم در برنامه‌های میان‌مدت خود دارم.